

# تصویرگران موضوعات دینی به گذشته تصویرگری برگردانند

## گفت و گو با مهنوش مشیری تصویرگر کتاب کودک

کتاب ماه کودک و نوجوان / آذر ماه ۱۳۷۹

قصه‌های معصومین و قصه‌های صحابه. آقای محمود حکیمی که از نویسندگان با سابقه عرصه ادبیات کودک و نوجوان هستند آقای حسن احمدی که ایشان هم نویسنده کودک و نوجوان هستند و سردبیر نشریه باران بودند. سرکار خانم فروزنده خداجو که نویسنده کودک و نوجوان و از همکاران سروش نوجوان هستند و سرکار خانم سپیده خلیلی که نویسنده هستند و سردبیر نشریه پرستو ماهنامه بچه‌های زمین. این جشنواره از ابتدا هم قرار بود خیلی ساده و بی ادعا برگزار شود و به هیچ وجه قصد رقابت با جشنواره‌های بزرگ که از سوی نهادهای دولتی حمایت می‌شود را نداشت. می‌خواستیم به همان شکل و سیاق هیئتی این‌ها، تعدادی نویسنده بیایند و از یک نویسنده تقدیر کنند. من حتی به طوران مرحله مقدماتی هم می‌گفتم شاید ما توانیم به شما هیچ حق از حمای تقدیم کنیم. حتی ممکن است برنده‌هایمان را با فرستادن صلوات تشویق کنیم؛ چون واقعاً شرایط مالی نداریم. البته از همان ابتدا با نهادهایی که فکر می‌کردیم با ما همکاری کنند مشغول مذاکره شدیم از شهرداری گرفته تا حوزه هنری، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت ارشاد انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، آستان قدس، بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس، لوقافه حتی مثلاً کارخانه‌هایی که وجهه فرهنگی نداشتند اما فکر می‌کردیم شاید از کار فرهنگی حمایت کنند که البته همان طور که اخوی گفتند هیچ جایی از ما حمایت نکرد.

الحمدلله انگ این که وابسته به جایی هستیم خدا خواست و به ما نجسید و با یک محدودیت مالی شدید رویه‌رو شدیم چه در حق‌الزحمه طوران و چه در زمینه جوایز. حتی نتوانستیم سالی برای مراسم بگیریم. این روزها می‌شنیدیم که جشنواره‌های دیگر که برپا می‌شود از حمایت‌های مالی ارشاد استفاده می‌کنند که البته این هم شامل حال ما نشد. ملاحظی سیاست‌گذاریم از آقای کاوند مدیر انتشارات دانا که خدا یک باره او را سرراه ما قرار داد که به قصد خیر، بخشی از هزینه‌های ما را متقبل شدند که لاقلاً، برندگان را دست خالی نفرستادیم، من در این جا واقعاً از بچه‌های مجموعه و مجمع تشکر می‌کنم و دوران مرحله مقدماتی و نهایی که بدون هیچ چشمداشت مالی، با ما همکاری کردند و امیدواریم سال بعد در حالی که بتوانیم خلوص و صداقت را حفظ بکنیم، از لحاظ ظاهری هم کمی دست‌مان بازتر باشد که خجالت زده دوستان نشویم.

### اسامی برگزیدگان جشن آسمانی

اسامی برگزیدگان جشن آسمان نخستین جشنواره قصه‌های مذهبی کودک و نوجوان در سال ۱۳۷۸، در بخش‌های مختلف به این ترتیب اعلام شد:

- در بخش قصه‌های قرآنی
- طلایی از آتش / نوشته محمدرضا سرشار / رتبه اول
- در بخش قرآنی ترجمه
- قصه ایوب / نوشته احمد نجیب / ترجمه قاسم کریمی
- در بخش قصه‌های صحابه
- صدای زلال بلال / نوشته محمدرضا سرشار / رتبه اول
- اویس، تنهاترین ستاره / نوشته مجید ملامحمدی / رتبه دوم
- در بخش قصه‌های معصومین
- ماه در خانه / نوشته فریادکلهر / رتبه اول و کتاب برگزیده

سال امام علی (ع)

چهل پنجره / نوشته طاهر اید / رتبه دوم  
ایستاده بر خاک / نوشته محسن هجری  
خیمه خاموش / نوشته شهرام شفیعی

مشتراً رتبه سوم

گفتنی است تقدیر از برگزیدگان با حضور نویسندگان، صاحب نظران و علاقه‌مندان به ادبیات مذهبی، در خانه سبزینه پنجشنبه بیست و ششم آبان ماه برگزار شد.

شده و فرمول‌های تبلیغ شده‌ای را رواج داده‌اند که از سوی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، بدون در نظر گرفتن خصوصیات قومی و فردی و فرهنگی به طور یکسان به همه افراد دیکته می‌شود و با عنوان از هر بند آن‌ها، انگ غیر اجتماعی یا آنرمال و یا کم‌هوش و غیره به ما می‌زنند. جالب است که در عوض، همان مصلحان جوامع، برای بیان مفاهیم برتر، دست انسان را بازمی‌گذارند و آن مفاهیم را تا سطح دلبخواهی و من‌درآوردی و مناسب با خلق و خوی فردی، تنزل می‌دهند و به اصطلاح جدید رایج، «انسانی» می‌کنند.

در تصویر کردن شخصیت ائمه و معصومین، با چه موانعی مواجه می‌شویم؟

زندگی و شخصیت قدسی هر دین، نمایشی است الهی برای آموزش دادن راه‌های زندگی، به رهروان و پیروان آن دین.

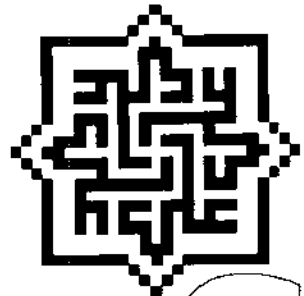
چهره، رفتار و کردار شخص قدیس یا رسول یا معصوم، تجسد و تجسم تمامی تعالیم و مفاهیم و آرمان‌های آن دین است. چرا که چنین آسومای، امکان تحقیق ارزش‌های هر دین را برای نوع بشر میسر می‌کند. یعنی متون مربوط به اعمال رسولان در تورات، حکایات حضرت عیسی (ع) و حواریون در اناجیل، مطالعه زندگی پیامبران و مردان بزرگ ادیان هندو و بودایی و یا سیره نبی اکرم، ائمه و اولیای مسلمان، همگی تربیت شخصیت‌های انسانی هستند که مفاهیم آسمانی را تجسم بخشیده و برای آند که انگیزه کمال‌جویی را در آدمی زنده کنند و هماهنگی در نفس انسان پدید آورند

تصویرگری کتاب با موضوعات مذهبی، چه تفاوتی با موضوعات دیگر دارد؟

تفاوت فاحش است. در موضوعات دینی، مؤلف خداوند است. پس برای بیان تصویری این تألیف، هنرمند باید تا حدودی از جوهر و باطن دین بهره‌مند کاملاً به اصول اجرای هنر دینی واقف و به آنها متعهد و مقید باشد. حال آن‌که مؤلف موضوعات دیگر، انسان‌ها هستند.

پس می‌بینید که تفاوت بسیار زیاد است. تفاوت بین اثری خلق شده از جانب «خالق» و اثری خلق شده از جانب «مخلوق» و اما در مورد اجرای آن، این تفاوت به گونه‌ای دیگر خود را نشان می‌دهد. قطعاً میان اعمال آدمی برای ارتباط برقرار کردن با خدا از یکسو و برقراری ارتباط با انسان از سوی دیگر، تفاوت مشهودی وجود دارد. همان‌گونه که وظایف انسان در برابر خداوند دارای اصولی بدون تغییر است که به وسیله دین انشاء شده و انسان را ملزم به رعایت موبه‌مو از آن می‌کند. یعنی شما نمی‌توانید برای یک نوع عبادت، مثلاً نماز یا حج، اعمال عبادی مخصوصی از خودتان به وجود آورید. حال آن‌که در عوض، آزادی در ارتباط با آدم‌ها رفتاری متناسب با خلق و خوی‌تان و با شناختی که از آنان دارید، اتخاذ کنید. من برای برقراری ارتباط با شما، به نوعی خاص از روابط قایل هستم و با دیگری به نوعی دیگر عمل می‌کنم و شما هم همین‌طور.

بگذریم از اینکه در روزگار ما برای برقراری ارتباط میان انسان‌ها هم اصول از پیش فرض شده و نرم‌های تعریف



و حجاب از فضایل روح گیرند.

در این راستا، هر دینی از طریق هنرش، به شیوه بیانی خاص متناسب با مخاطبان خود متمسک می‌شود. تاریخ هنر ادیان، نشان می‌دهد این شیوه‌ها هرگز با بیانی که خاص موضوعات روزمره، اجتماعی و سیاسی جوامع معاصر خود است، شباهتی نداشته‌اند.

قلمرو و شیوه اجرایی هنرهای دینی، عمدتاً به وسیله بنیان‌گذاران دین تعیین گردیده و توسط قدیسن، گسترده شده است و شاخ و برگ یافته. در این جا مجال بازکردن اصل آسمانی شمایل نگاری در مسیحیت، موسیقی و اسلحه‌سازی در عهد حضرت داود و سلیمان، ساختار معبد نزد حضرت موسی، معماری و مسجد و تلاوت قرآن یا خوشنویسی و خطاطی به عنوان هنر مرکزی و مقدس اسلام نیست.

لیکن با توجه به این مقدمه، به سؤال شما در مورد تصویر کردن و چهره‌پردازی امامان معصوم می‌پردازم: آیا چهره آنها در شمار پدیده‌های آسمانی است و یا از سنخ روابط من با انسان‌های دیگر؟ قطعاً چون آن معصومان، تجسد مفاهیم تعالی اسلام هستند من نقاش یا تصویرگر یا شاعر نمی‌توانم و مجاز نیستم که آزادانه و به هر نوعی که می‌خواهم از ظن خود یار آنها شوم! فلذا باید موانعی در نظر گرفت و خاستگاه آن موانع، بی‌شک نه انسانی، بلکه آسمانی است. حتی در مسیحیت که علی‌رغم اسلام، شمایل‌نگاری در آن مجاز است، معیارها و محدودیت‌های بسیاری، نقاش و تصویرگر را مقید می‌کند. در قرون وسطای مسیحی، هیچ نقاشی اجازه نداشت تصویری از قدیسی ترسیم کند که او را در سطحی زمینی و با شیوه‌ای که متناسب بیان موضوعات روزمره است، نمایش دهد. عدول از اصول تصویرگری مقدس یا «ایکونوگرافی» در آن ایام، با توبیخ و تنبیه‌های بسیار جدی از سوی کلیسا مواجه بود.

امروزه وضع به کلی دگرگون شده. من چندی پیش، تصویری از صحنه‌ای از زندگی زنی دیدم که البته، با اندکی تأخیر و با توجه به عنوان کتاب، متوجه شدم نقاشی داستان هاجر و سعی میان صفا و مروه است. منظور نقاش از آن «زن» حضرت «هاجر» است! داستانی با آن بعد وسیع تسلیم و توکل، در آن ماجرای شگفت‌تنهایی و تشنگی و استیصال، در آن بیابان سوزان که هیچ کس جز خداوند به کمک نخواهد آمد.

اما افسوس که آن قدر نحوه بیان تصویر، این جهانی،

### اجازه داده نشود

هر شخصی به نام دین اعم از شاعر، نویسنده، نقاش، معمار و فیلم‌ساز به این مهم دست‌اندازی کند. ممکن است با مسامحه، مجاز بدانیم هر عاشقی معشوق خود را به هر شیوه‌ای که می‌پسندد، توصیف کند. اما نه تحقل و نه دین، مجاز نمی‌داند هر کس هر جور دلش خواست به صرف این که عاشق است، و این روزها عاشق علی، از منبر و مأذنه و رادیو و تلویزیون، بیلبورد، کتاب و تریبون، ابراز عشق کند

ملسوس و «گوشتمند» بود که بیشتر به ماجراهای تأسف‌آور هیجان‌انگیز صفحات حوادث روزنامه‌ها می‌ماند.

کودکی هم در گوشه‌ای از صفحه گنجانده شده بود که مثلاً «اسماعیل» ذبیح را تداعی کند. و افسوس که او هم به تصویر چاپ شده بچه‌های روی جعبه شیرخشک و تقلاتی مثل پفک‌نمکی شبیه بود. یعنی خالی از پیام الهی خود و فارغ از هر نوع پیام الهی دیگر. آنچه به یاد نمی‌آید رمز و سبب نهفته در این داستان قرآنی بود. تصویری دیگر دیدم از یکی از بزرگترین ماجراهای تاریخ ادیان که قوم سامی را مورد خطاب مستقیم خداوند قرار می‌دهد؛ یعنی فرمان الهی، یعنی قربانی کردن که در همه ادیان، موضوعی است مقدس. همان قصه فرمان‌برداری حضرت ابراهیم، از دستور الهی. شیوه بیانی آن تصویر هم به حدی نازل بود که بیننده، بی‌اختیار می‌خواست در برابر این کودک آزاری، طغیان کند و برای نجات پسر بچه‌ای بی‌گناه از دست پدر بی‌رحمش، نزد پلیس و دادگاه و مراجع قانون مدنی دادخواهی کند! از این دست ماجراها متأسفانه، بسیار اتفاق می‌افتد. امروزه هر فردی، با هر شیوه بیانی، و با هر ذهنیتی نسبت به هرابژه مقدس، بدون توجه به اصول هنر قدسی، در کار تصویرگری از قصص قرآنی یا زندگی پیامبران و قدیسن ادیان گوناگون است. بسیاری از این آثار، به هیچ‌وجه، قابل توجه و تیرنه نیستند. پرداختن به موضوعات دینی در روزگار ما و در سراسر دنیا، گویی نوعی مد تلقی می‌شود.

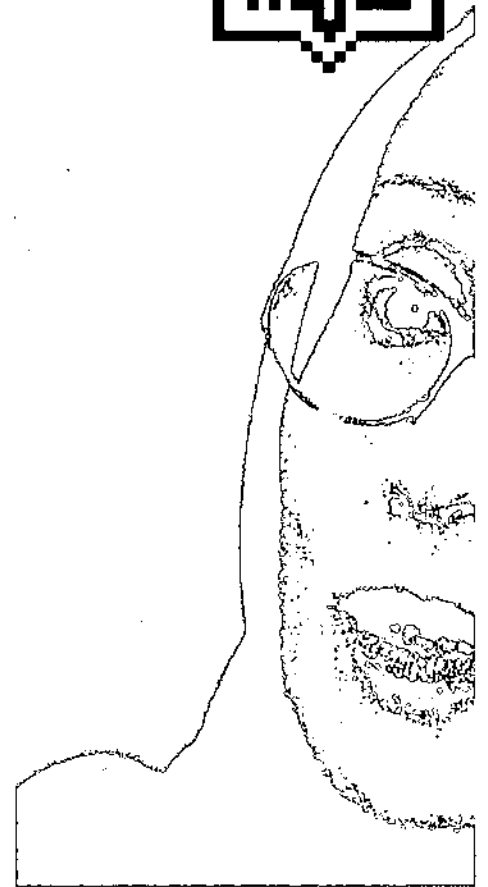
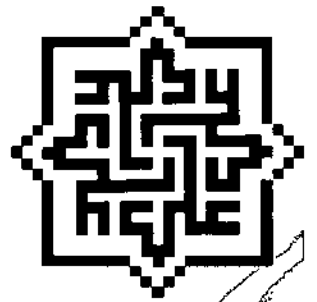
چنان‌که نمونه‌های فراوان آن در میان فیلم‌سازان، نویسندگان، شاعران، معماران، نقاشان و خلاصه همه دست‌اندرکاران هنر دینی دیده می‌شود.

به نظر من، بسیاری از آنها که به ظاهر، مدافعان دین و هنر دینی هم هستند، آبخشوری «سلمان رشدیانه» کازانتزاکیس مآبانه و «کاستانداریانه» دارند!

با این تفاوت آشکار که در نگرش رشدی و کاستاندا و نظایر آنها، رک و راست و بی‌پرده پوشی، مقدسات مورد اهانت قرار می‌گیرد و متلعان مذکور مودیان، در لفاقه و با کلام دو پهلو و به ظاهر دلسوزانه، مخاطب را اغفال می‌کنند و مخاطبان نمی‌دانند از چه دستی سیلی می‌خورند. نتیجه و غایت این نهضت جدید هنر دینی در سراسر گیتی، نابود شدن اصول اعلامی الهی و معیارها و حدود و نور بیانی آن است. حال می‌خواهد آگاهانه باشد یا ناآگاهانه و یا حتی با هدف خیرخواهی، در اصل موضوع فرقی نمی‌کند.

○ تصاویر کتاب‌هایی را که درباره حضرت علی(ع)





شده‌اند، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من به همراه چند تن از صاحب‌نظران تصویرگری، موظف شده‌ایم برای بررسی کتاب‌های تصویر شده با موضوعات «قصص قرآنی، سیره نبوی و سیره علوی کمیته‌ای تشکیل دهیم و تصویرسازی‌هایی را که در این زمینه وجود دارد، داوری کنیم. انشاءالله پس از اتمام آن جلسات، نتیجه بررسی و نظر خود را به طور مشروح اعلام خواهیم کرد.

این تصویر که از حضرت علی (ع) طرح شده، تا چه حد می‌تواند به ارائه چهره متناسب از آن حضرت کمک کند؟

این روزها با توجه به نامگذاری سال ۷۹، به نام سال حضرت علی علیه‌السلام، خیابان‌ها، بزرگراه‌ها، نمایشگاه‌ها، کتابفروشی‌ها، موزه‌ها و خلاصه همه و همه در کار تجلیل از مقام رفیع ایشانند. همه عاشقان، خریدار بوسفش آمده‌اند و هر کس به فراخور کیسه و بضاعتش به چارسوق آمده.

حالا با توجه به آن چه گذشت یعنی با پاسخ به سوالات قبلی، من از شما می‌پرسم آیا تابلوهایی که از ایشان طراحی و خطاطی شده و سراسر شهرها را پوشانده تا چه حد به ارائه چهره مناسب این معروف‌ترین و محبوب‌ترین چهره شیعه در کشوری شیعی کمک کرده است؟ چقدر ما را به یاد امر قدسی و فضایل الهی و شخصیت آسمانی ایشان می‌اندازد؟ البته کارهای خوب شده است اما برخی دیگر، متناسفانه با بیانی کاملاً نامناسب صورت گرفته. می‌دانید که برای بیان عشق باید کلامی فراخور معشوق انتخاب شود. بیان نامناسب اگر برای معشوق این زمینی هم باشد، او را خواهد آزد، چه رسد به معشوقی در آن مرتبه از تعالی و تقدس و معصومیت.

من از عاشقان گله ندارم؛ چرا که بر عاشق هرچی نیست. گله من از کسانی است که خود را متولی و ممیز رسمی هنر دینی می‌دانند. اصلاً برخی از آثاری که بر درو دیوار شهرها نصب می‌شود، با چه معیارهایی سنجیده و از چه صافی‌هایی می‌گذرد؟

یعنی با چه مجوزی دیوارهایی از شهر را به خود اختصاص می‌دهد؟

با آن که خوشبختانه، چیزی است از جانب بعضی ارگان‌های دولتی و مسوولان، تمایلی به بررسی حقیقی اصول هنر دینی دیده می‌شود و چند سالی است که در این راستا کنفرانس‌های داخلی و بین‌المللی تشکیل می‌شود، از صاحب‌نظران در این امور از سراسر جهان دعوت به عمل می‌آید، این جا و آن‌جا در موزه‌ها و دانشکده‌های هنری، با آنان مصاحبه می‌شود. بر ایشان سمینار و سخنرانی و میزگرد تربیت می‌دهند، اصول هنر دینی و تصویرگری مقدس حلاجی می‌شود، رادیو و تلویزیون هم به این مقوله علاقه دارد و این مباحثات را نمایش می‌دهد، گزارش‌های آن در روزنامه‌ها و مجلات چاپ می‌شود، به صورت کتابها و جزوات تدوین می‌گردد. و خلاصه چندی است که از نظر تئوری، این مسائل مورد توجه قرار گرفته، اما همه این‌ها چه سود عملی و کاربردی عمومی داشته؟! جماعتی از دست‌اندرکاران هنر «به ظاهر» دینی، به راه خود می‌روند و نظریات متخصصان امور هنر دینی در کتاب‌ها، به شیرازه مفید می‌گردد و خاک می‌خورد، آن‌هم در کشوری که حکومتی دینی آن را اداره می‌کند.

این در حالی است که سخت‌گیری و دقت‌نظر در موارد دیگر، از سوی مسوولان ذی‌ربط، کاملاً رعایت می‌شود. مثلاً اگر قرار باشد هر طرحی اعم از تجاری، فرهنگی، ورزشی و هنری و یا هر طرح دیگری روی دیوارها یا «بیل بورد»های

شهری قرار بگیرد، باید از صافی‌های متعددی بگذرد.

من به عنوان کسی که رعایت اصول اعتقادی صحیح در هنر، برایش از ارشدترین اصول است و پایبندی و رعایت آن را از مراتب پراهمیت برای ابقا و احیای دین می‌داند، پیشنهاد می‌کنم: اولاً مرکز یا صلاحیتی تاسیس گردد که اصول تدوین شده هنر واقعی دینی را (که خوشبختانه، چنان‌که گفتم موجود و جمع‌آوری شده است)، لازم الاجرا اعلام کند. ثانیاً با تکیه به مفاد آن، اجازه داده نشود هر شخصی به نام دین اعم از شاعر، نویسنده، نقاش، معمار و فیلم‌ساز به این مهم دست‌اندازی کند. ممکن است با مسامحه مجاز بدانیم هر عاشقی معشوق خود را به هر شیوه‌ای که می‌پسندد، توصیف کند. اما نه تعقل و نه دین، مجاز نمی‌داند هر کس هر جور دلش خواست به صرف این که عاشق است و این روزها عاشق علی، از منبر و مأذنه و رادیو و تلویزیون، بیل بورد، کتاب و تریبون، ابراز عشق کند.

آیا نمونه‌های برجسته و موفق تصویرگری درباره آن حضرت، سراغ دارید؟

با نگاهی به گذشته تصویرگری مذهبی و سنتی ایران و آنچه «شمایل نگاری» نامیده می‌شود، از میان نمونه‌های فراوان، می‌توان به چندین اثر ارزشمند اشاره کرد. امیدوارم تصویرگران موضوعات دینی، با بازگشتی به گذشته تصویرگری خود، آن آثار سرمشق خود قرار دهند. کارهای مردان شریفی چون آقاجنحف مدبر، قولرآغاس و بسیاری دیگر از مردانی که به عنوان ادب به ساحت امجد این هنر، امضای‌شان را به زیر اثرشان گذاشته‌اند.

توجه به این آثار، بسیار ضروری است. این توجه را بیگانگان بیشتر از خود ما درک کرده‌اند. چنان‌که مشتریان آنها کلکسیونرهای فرنگی هستند و نه ما.

اگر چه من هنوز معتمد تصویر کردن «چهره» مقلین در اسلام که همه ابعاد دین را متجسم و متجد کرده‌اند آن طور که بایسته و شایسته است ممکن نیست.

اصولاً از دیدگاه شما چه معیارهای کاربردی و مشخصی، می‌توان در اثر هنر قدسی و دینی شناسایی کرد؟

از ویژگی‌های هنر دینی: الف: رعایت سمبولیزم دینی است. سمبل‌ها و رمزهایی کاملاً نشأت گرفته از وحی.

ب: هدف هنر دینی، نوعی جذبه‌رهای بخش است از این عالم و نه بخش‌شدن و تشتت در آن که نتیجه‌اش یادآوری امور دنیوی و دلبستگی به دنیاست نه توجه به عالمی بالاتر.

ج: در هنر مقلن، تنها موضوع مذهبی کافی نیست. د: هنر مقدس، در واقع تصویرگر امور نامتغیر و ثابت است.

ه: هنر مقلن، می‌خواهد زیبایی‌های روحانی و نفسانی را بیان کند نه زیبایی‌های صرفاً جسمانی را.

ت: هنر مقلن، طرز بیان خاص خود را دارد و در آن فضا و مکان، نزدیک و دور، قبل و بعد وجود ندارد. یعنی آن عناصری که ما را مستقیماً به این عالم مرتبط می‌سازد.

و در یک جمع‌بندی، هنر مذهبی اصولی دارد لایتغیر و لازم‌الاجرا برای هر کس: من و تو و او هم نمی‌شناسد! می‌خواهد این «من» فلان مینیاتوریست مشهور و برکار باشد یا فلان برده نگار گمنام در دهکده‌ای دور.

